



برتولت برشت

ترجمه‌ی محمود حسینی‌زاد
با همکاری نصرت‌الله رستگار

توران دشت

یا

کنگره‌ی توجیه‌گرها



سرشناسه: برشت، برتولت. ۱۸۹۸-۱۹۵۶ م.

Brecht, Bertolt

عنوان و نام پدیدآور: توران دخت: کنگره‌ی توجیه‌گرها/ برتولت برشت، ۶/ نیمه‌ی محمود حسینی‌زاد
باهمکاری نصرت‌الله رستگار

مشخصات نشر: تهران، نشر پان، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۱۲۸ صفحه، ۱۸×۱۱ سانتی‌متر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۷۳۵-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Turandot, or the whitewasher's congress (1954)

موضوع: نمایش‌نامه آلمانی — قرن ۲۰ م.

موضوع: German drama--20th century

شناسه افزوده: حسینی‌زاد، سیدمحمود، ۱۳۲۵، مترجم

شناسه افزوده: رستگار، نصرت‌الله، ۱۳۲۱، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۹۱۳۹۶ ت ۲۶۱۳ PT

رده‌بندی دیویی: ۸۳۲/۹۱۲

شماره کتابشناسی: ۵۰ ۱۸۴۶۳

برتولت برشت
توران دخت یا کنگره‌ی توجیه‌گرها (نمایش‌نامه)

ترجمه‌ی:
محمود حسینی‌زاد با همکاری نصرت‌الله رستگار

چاپ یکم ترجمه‌ی فارسی؛ تابستان ۱۳۹۷
حداکثر ۱۰ صفحه‌آرایی: دفتر نشر بان (پریا اسماعیلی)
مونه‌خوان: رش ابراهیمی‌فر

شماره‌بان: ۱۰ شماره

لیتوگرافی: سررس‌رایان چاپ: منصور، صحافی: کیاپاشا

مدیر هنری:
امید نعم‌الحبيب / استودیو
طراح گرافیک:
مهدی قاسمی

مرکز بخش: مؤسسه‌ی انتشارات آگاه
خیابان انقلاب، بین فروردین و اردیبهشت، شماره ۱۳۱
تلفن: ۶۶۴۶۷۳۳۳ داخلی (۱۱۳)

فروش اینترنتی:
www.agahbookshop.com و www.baan.pub

instagram.com/baanpublishers

۱۲,۰۰۰ تومان

کاغذ بالک، همراه طبیعت



فهرست

۹	مقدمه‌ی محمود حسی زاد
۱۳	مقدمه‌ی نصرت‌الله رستگار
۱۷	اشخاص نمایش
۱۹	۱. در کاخ امپراتوری
۲۳	۲. جای‌خانه توجی‌ها
۳۱	۳. در کاخ امپراتوری
۴۱	۴. مدرسه توجی‌ها
۵۱	۵. خانه‌ی یک توجی عالی‌رتبه
۶۱	۶. کنار دیوار شهر
۸۱	۷. در کاخ سلطنتی
۹۵	۸. بازارچه‌ی توجی‌ها
۱۰۹	۹. جلوی رخت‌شوی خانه‌ی "شکوفه بادام"
۱۲۱	۱۰. در معبد کوچک و قدیمی منچو

مقدمه‌ی محمود عسکری زاد

این نمایش‌نامه قرار بود در مجموعه آثار برتولت برتولد، سرکار خوارزمی منتشر شود. یعنی همان حدود سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ اما نشد. اما این نمایش‌نامه در مجموعه آثار برشت و انتشارش به دلیل شرایط سیاسی آن زمان متوقف شد. و بعد هم که نشر خیلی خوب خوارزمی گرفتار انواع مصائب شد. ترجمه این نمایش‌نامه را در آن دوره که کار گروهی و زیر نظر دکتر فرامرز بهزاد انجام می‌شد، دوست‌ام نصرت‌الله رستگار به عهده گرفته بود.

رستگار مدتی بعد رفت خارج از کشور و ترجمه هم رفت. چندین و چند سال گذشت، تا سال ۱۳۹۳ که رستگار آمده بود تهران، دیداری داشتیم و این ترجمه را داد که "هرکار دوست داری بکن و به نام خودت"، که خوب نمی‌شد. زحمت کشیده بود. اما راضی نبود اسم‌اش در مقام

مترجم روی جلد باشد. پس آن طور که می بینید نوشتمش.

ترجمه را از دکتر رستگار گرفتم و سهمام را این طور ادا کردم :

اول: از همان عنوان نمایش نامه شروع کردم. این نمایش نامه یک عنوان دارد و یک زیرعنوان. عنوان اصلی که توران دخت است. اما برای ترجمه زیرعنوان نمایش نامه، یعنی برای فعل *weißwaschen* باید معادل مناسبی پیدا می کردم. به گمانم در ترجمه های این متن و در ارجاعات به این نمایش نامه در متون فارسی، برداشت اشتباهی از این زیرعنوان شده. فعل دو پاره دارد که پاره ی اول فعل "سفید" و پاره ی دوم "شستن". در ترجمه ها تا امروز معمولاً مترجم ها معادل هایی آورده اند که ترجمه ی یک به یک دو پاره فعل است. او، مانند کنگره ی "سفیدشویان" یا کنگره "پاک شویان"، که از جمله هم نیست، البته، مفهوم این فعل اما، وقتی موارد استفاده ی آن را به نظر بگیرید، اندکی تندوتیزتر است، رگ تر، یعنی می شود "توجیه کردن"، "کمپین" و "ماست مالی کردن". من از این مفهوم استفاده کردم. در ترجمه رستگار هم می خوانید که این نمایش نامه بخشی از مجموعه ای است که برشت با همین موضوع و شخصیت ها نوشته. یکی از این کارهای برشت مشخصاً عنوان "هنر کاسه لیسان" را دارد.

دوم: باید برگردان مناسبی در فارسی پیدا می کردم برای شخصیتی که ساخته و پرداخته ی برشت است، یعنی "توئی". در مقدمه ی رستگار هم می خوانید که برشت با پس و پیش و حذف و اضافه ی هجاهای واژه ی "انتلکتوئل = روشن فکر"، به نام "توئی" برای توصیف شخصیت رسیده است. رستگار هم در ترجمه اش با واژه ی "روشن اندیش" برای می کند. من برای این عنوان، باز رفتم سراغ "توجیه". یعنی برای شخصیت و شخصیت هایی که برشت در این نمایش با دست کاری در واژه ی انتلکتوئل عنوان "توئی" را پیدا کرده است، من با استفاده از "توجیه گر" عنوان "توجی" را درست کردم. طنین چینی اش هم بیش تر است!

سوم: زبان و لحن ترجمه‌ی دکتر رستگار را تغییر دادم و آن را به زبان صحنه‌ی نمایش و زبان روز نزدیک کردم. لاجرم در این روند، برای واژه‌ها و اصطلاحاتی که جابه‌جا ترجمه‌ی یک‌به‌یک شده بودند، معنی و مفهوم دیگری گذاشتم، ساختمان جمله‌ها را تغییر دادم.

چهارم: زبان محاوره را انتخاب کردم. نمایش‌نامه از یک طرف متن به‌هم‌پیوسته‌ای دارد، یعنی می‌شود آن را مثل یک روایت خواند. از طرف دیگر تراژدی کمیک است، نوعی مضحکه، پس می‌توان به گونه‌ای تماشگر این فرصت را داد تا نمایش‌نامه را با نثری تناسب حال و هوای متن بخواند و یا بر صحنه ببیند.

پنجم: تکنیکی از متن اصلی که در ترجمه‌ی رستگار نبود، ترجمه و اضافه کردم. مثلاً: تودح برشت درباره‌ی نحوه‌ی آرایش و چیدمان صحنه یا یکی ده صحنه بخش پایانی نمایش‌نامه.

جهت رعایت امانت و ادای احترام، مقدمه‌ی دوست‌ام نصرت‌الله رستگار عیناً آمده است.

محمود حسینی‌زاد

۱۸ دی ۱۳۹۶، دیگر، ۱۳۹۶